

این موافق تعینش حال او ضرورت و الله اعلم و نیز باید دانست
 که حرف جارا از سران معصیه در کلام عرب محذوف است معنی
 در آن باشد باین با وقت آن و نیز باید دانست که در مثل
 لو تری اذ الظالمون یومنون الموت ولویس الذین
 ظلموا اذ یرون العذاب اصل آن است که جواب شرط
 محذوف باشد اما این ترکیب را نقل کرده اند به معنی
 تعجب پس حاجت تعینش محذوف نهاده است و الله اعلم
 و اما بدلیل تقریف است کثیر الفنون کایه باشد که فعلی را کای
 فعل و ذکر نماید برای اعراف شتی که استقصا در ذکر آن اعراف
 و تفریق این کتاب میت اهد الذی یدکر الهتکم ای
 یسب الهتکم اصل کلام آن بود که اهد الذی یسب کین
 و کوسب کرده و شنید و آن را بدل کرده بدگر در آن فعل
 آنچه در عرف میگویند که بر شمان فلان کس عارض شده است

و اول آن است که بفلان عارض شده است و میگویند که بفلان
 حضرت در اینجا شریف آورده اند یا بفلان جناب علی این
 مقدمه را میدهند و اول آن است که جناب علی آمده و جناب
 علی بن راعی دانند من لا یصبحون ای من لا یصیرون
 چون نصرت بدون اجتماع و محبت صورت نمی بندد یصبحون
 بدل آن آورده انقلت فی السموات و الارض ای جمعیت
 لان الشیء اذ خفی عمل نقل علم اهل السموات و الارض
 فان طبر لکم عن شیء منه نفسا ای عقول لکم
 من شیء من طیبته من نفوسهم و کای ای کای سبی
 فطلت اعناقهم لها خاضعین ای خاضع کفانت
 من القانتین ای من القانتات او مالهم من ناصرین
 ای من ناصر قمامتکم مر اجدعنه حاجزین ای
 مر حاجز و العصر انک الانسان لفرخیر ای افراد فی آدم